

## بررسی نکته‌های قرآنی در عالم‌آرای نادری

مریم ایرانمنش\*

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۵

### چکیده

«عالم‌آرای نادری» نوشته محمدکاظم مروی مفصل‌ترین زندگینامه نادرشاه افشار، و یکی از برجسته‌ترین آثار تاریخی عبرت‌آموز قرن دوازدهم هجری است. نشر محمدکاظم به تداول عامه ماوراءالنهر در آن عصر نزدیک است و متناسب با داستان‌پردازی است. تعداد زیادی از این اشعار از نوع تعلیمی و اخلاقی است و نویسنده در پی آن است که در ضمن بیان حوادث و رخدادهای تاریخی، نکته‌های اخلاقی و اندیشه‌های پسندیده مذهبی و عرفانی، و علوم و فنون را به مردم یادآور شود، و نکته‌های ظریف قرآنی را نیز به مخاطب یادآور شود. این مقاله سعی دارد با روش کتابخانه‌ای و سندکاوی، و آوردن نمونه‌هایی از اشعار تعلیمی و اخلاقی این اثر، گوشه‌ای از برجستگی‌ها و جذابیت‌ها و آموزه‌های قرآنی این کتاب تاریخی را بازگو کند.

**کلیدواژه‌ها:** عالم‌آرای نادری، محمدکاظم بیگ، افشاریه، شعر تعلیمی، شعر اخلاقی.

## مقدمه

کتاب «عالم‌آرای نادری» نوشته محمد کاظم وزیر مرو مفصل‌ترین زندگینامه نادرشاه افشار، و تاریخ‌نامه حوادث روزگار اوست؛ که شامل حوادث قرن دوازدهم از شورش محمود/افغان و سقوط اصفهان و حوادث بعدی، و برآمدن نادر و پیروزی‌های بزرگ و سرانجام غم‌انگیز و عبرت‌آموز او می‌باشد. داستان از آنجا شروع می‌شود که محمود/افغان با گروهی نه‌چندان انبوه، از قندهار می‌آید، و پایتخت را به آسانی می‌گیرد و جهانیان را غرق حیرت می‌کند (مرو، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۵).

مؤلف که خود را محمد کاظم وزیر دار الملک مرو می‌نامد، به نوشته خود از قزلباش‌های مرو است، و پدرانش از قاجارهای نواحی ولایت تبریز بوده‌اند که شاه عباس بزرگ آن‌ها را از تبریز به مرو کوچ داده است (همان: ۱۸).

«عالم‌آرای نادری» نوشته محمد کاظم مروی به لحاظ محتوا، مواد و مطالب یکی از برجسته‌ترین آثار تاریخ‌نگاری در سده دوازدهم هجری، و از شاخص‌ترین منابع دوره نادرشاه افشار است. (اشرفیان، ۱۳۵۶: ۸). کتاب به زبان و با دیدی ساده و بی‌پیرایه حوادث تلخ و شیرین آن ایام را باز می‌گوید، و یکی از آثار ارزنده برای شناخت حوادث و وضع فکری و فرهنگی جامعه ما در آن زمان است. محمد کاظم بیگ کارمند ساده متوسطی بوده که کتابش را در خلوت خود و برای خاطر دل خود نوشته، بنابراین آنچه را دیده یا شنیده یا احساس کرده بر روی کاغذ آورده (مرو، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۷).

محمد کاظم در سال ۱۱۳۳ در مرو از مادری تاتار به دنیا آمده است. خویشاوندی با تاتارها سبب شد که او و مادرش از حوادث جانسوز سال ۱۱۳۸ (حمله تاتار برای قتل و غارت قزلباش‌ها) جان سالم به در ببرند (همان: ۱۸). ایام کودکی خود را تا ۶ سالگی در مشهد گذرانده، و در سال ۱۱۴۹ به همراه پدرش به تبریز رفته و به دستگاه/براهیم خان ظهیرالدوله پیوسته است. خدمت دیوانی او از اواخر دوره صفویه شروع شده، و جزو سپاهیان ایران بوده و بعدها در لشکرکشی نادر به هرات (حدود سال ۱۱۴۱) حضور داشته است. در جلد اول کتاب شرح آشوب‌های مرو، زد و خوردهای میان قزلباش‌های مرو و ترکمن‌ها و ازبک‌ها آمده است (همان: ۲۳-۱۹).

در زمان مؤلف توجهی به شعر و ادب نبود، و شاعرانی هم که نام‌شان مانده در قهوه‌خانه‌ها یعنی انجمن‌های ادبی چند شهر مرکزی از جمله اصفهان، یزد، کاشان و شیراز به بار آمده‌اند. او

مردی مذهبی و معتقد و باایمان و ساده‌ضمیر از جنس مردم عادی کوچه و بازار، و کارمند دفتری و مالی است، و زادگاه او مرو است که در گذشته‌های دور شهر کسایی مروزی و مسعودی مروزی و دارالملک خاندان شعرپرور سلجوقی بوده است. در زمان مؤلف ساکنانش ایلات و عشایری بودند با اعتقادات مذهبی مغایر با هم و تشنه به خون هم، و مؤلف در این محیط کتاب خود را نگاشته است. به نظر می‌آید تحریر مطالب کتاب او در سال ۱۱۵۷ باشد (همان: ۲۹-۳۴).

زبان «عالم‌آرا» فارسی اواخر صفویه و نیمه دوم قرن دوازدهم است، در آمیزش با زبان عامیانه و فارسی ماوراءالنهر؛ او کتابش را به زبان ساده محاوره‌ای آن روز و به دور از عبارات مشکل تحریر نموده، که آکنده از لغات عامه و لغات فارسی ماوراءالنهر است (همان: ۵۶-۴۵). در لابه‌لای نثر کتابش از اشعار مختلف حماسی، غنایی و تعلیمی استفاده کرده، و برای بیان و تأکید بر نکته‌های اخلاقی و اندیشه‌های پسندیده مذهبی و عرفانی از این اشعار بهره برده است، و بسیاری از این اشعار به گفته خودش "سروده‌های" خود اوست که با عباراتی همچون "المؤلفه"، "لمسوده" و "من افکاره" آن‌ها را از شعر شاعران دیگر جدا کرده است.

او در اشعار تعلیمی به مسائلی همچون ناپایداری و بی‌اعتباری دنیا، نیکی کردن به افراد قدرشناس، خواست و اراده خداوند در عزت و ذلت انسان، رعایت حال زیردستان، بردباری، خردورزی در کارها، احسان و نیکی، ناگزیربودن از مرگ، عدالت، نمک‌شناسی و ... می‌پردازد. مواردی همچون ناپایداری دنیا و کرم و احسان از بسامد بالایی برخوردارند، و نکاتی چون عدالت و آداب حکومت‌داری از بسامد متوسط، و مواردی همچون نیک‌بختی از بسامد پایینی برخوردار هستند.

در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای و سندکاوی انجام می‌شود، با آوردن نمونه‌های اشعار تعلیمی و اخلاقی سعی دارد بخشی از برجستگی‌های ادبی و اخلاقی این اثر تاریخی را نشان دهد. این کتاب دارای اشعار حماسی و غنایی بسیاری نیز می‌باشد که در این مقاله نمی‌گنجد، و تحقیق دیگری را می‌طلبد.

## شعر تعلیمی

شعر تعلیمی (وعظ و حکمت و عرفان) آن است که هدف سراینده از سرودن آن، آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های پسندیده مذهبی و عرفانی یا علوم و فنون باشد. به‌طور کلی دو نوع شعر تعلیمی در ادبیات ملل دیده می‌شود: نوعی که موضوع آن خیر و نیکی، و نوعی دیگر که موضوع آن حقیقت و زیبایی معنوی است (رزمجو، ۱۳۷۴: ۷۷). اثر ادبی تعلیمی اثری است که دانشی (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند، یا مسایل اخلاقی، مذهبی، فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۵۵). بسیاری از شاهکارهای ادبی اعم از نظم و نثر از بعد تعلیمی برخوردار هستند، اشعار تعلیمی و همراه با حکمت و پند به‌طور عمده در جهت اعتلا و ارتقای سطح اخلاق عمومی، و سعادت‌مندی جامعه و افراد سروده شده‌اند (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۱۸۶). در ادامه نمونه‌هایی از مفاهیم بررسی شده در کتاب عالم‌آرا را بررسی می‌کنیم:

### ۱. ناپایداری دنیا

یکی از صفاتی که در قرآن برای وصف دنیا به کار رفته «عاجله» است، که به معنای «زودگذر و ناپایدار» است:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا﴾ (اسراء/ ۱۸)

«هر کس بهره زودیاب [دنیوی] بخواهد؛ برای هر کس که بخواهیم در آن پیش اندازیم سپس جهنم را برای او مقرر می‌داریم که نکوهیده و مطرود به آن درآید». قرآن دنیا را بازیچه‌ای می‌داند که ارزش دل‌بستن ندارد. در آیات ۶۴ سوره عنکبوت، ۳۶ سوره محمد و ۳۵ سوره زخرف، دنیا به عنوان لهو و لعب معرفی گردیده است؛ و در آیات دیگر به بازیچه‌های دنیا اشاره نموده؛ می‌فرماید:

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الدُّنْيَا لُحُوبٌ وَأَنَّهُمْ فِيهَا مُجْرِمُونَ لَئِن لَّمْ يَظْهَرِ عَلَيْكُمْ فَسَافِهُوا فِي نُجُومِهِمْ يَسْتَمْتَحُونَ﴾ (سوره زخرف/ ۳۵)  
﴿كَمْ مَثَلٍ غَيْبٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ﴾

مؤلف «عالم‌آرا» در شرح و بیان حوادث و رخدادها، و به مناسبت‌های مختلف اشعار تعلیمی فراوانی از بی‌وفایی و ناپایداری دنیا و از بین رفتن موقعیت‌های بزرگ آورده، و در ضمن روایت چگونگی قتل و یا مرگ برخی از فرماندهان نادرشاه ضمن تأکید بر دل‌آوری‌های آنان می‌گوید:

چه داری فلک با من نیکبخت	که نیکی نمودی و کردی به تخت
به آخر فکندی تو بر روی خاک	نمودی دل و سینه‌ام چاک چاک
تو [این] بخت و تخت مرا واژگون	نمودی به یک دفعه‌ام سرنگون

(مرو، ۱۳۶۹، ج ۱، ۴۰:)

روزگاری است پر آب و رنگ	گهی صلح آرد گهی نیز جنگ
گهی کین بیارد گهی خرمی	گهی درد آرد گهی بی‌غمی
یکی را سزاوار شاهی کند	یکی را بکشتی تباهی کند
یکی را کند نادر روزگار	یکی را برآرد ز جان‌ش دمار
یکی را کند رستم پیلتن	یکی را برآرد به گردن کفن

(همان: ۲۸۹)

چنین است آیین چرخ دو رنگ	وزان شادمانی وزان کین و جنگ
یکی را برآرد به چرخ بلند	به گیتی ستانی کند دلپسند
گهی شهد و شکر کند خوان تو	به نیش و به خنجر کند جان تو
دهد خیمه و بارگاه بلند	میان جهان‌ت کند ارجمند

(همان: ۱۳۵)

چنین است آیین این روزگار	ندیده کسی از جهان اعتبار
یکی را دهد تاج و تخت و نگین	یکی را کند فرش روی زمین

(همان: ۱۲۳)

اگر به سیر چمن می‌روی، قدم بردار      که همچو رنگ حنا، می‌رود بهار از دست

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۱۱۴۷)

نکرده به کس آن دمی اعتبار  
ز قهرش بسی شد ز تختش فتاد  
نپرورد کس را که آخر نکشت

چنین است آیین این روزگار  
نپرورد کس را که بر باد داد  
که در مهر نرم است و قهرش درشت

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۱۰۵۳)

گدا را کند صاحب طمطراق  
بیفتند از تخت و از اعتبار

عجب دارم از گردش نه رواق  
بسی شهریاران والاتبار

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۹۹۴)

گهی صلح می‌ورزد و گاه جنگ  
گهی گل بروید و خار آورد  
کند آفتابی به شب دستگیر  
گهی مهر آرد گهی غم به بار  
که آن کهنه زالی است پر از جفا

ندانم چرا روزگار دورنگ  
گهی شادمانی به بار آورد  
یکی را قتیل و یکی را اسیر  
عجب روزگاری است بی کار و بار  
بیا دل منه تو بدین بیوفا

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۹۵۵)

نه رستم گذارد نه اسفندیار  
همیشه کارش جادوگری است  
که خالی نباشد ز رنج و عذاب

عجب روزگاری است مردم‌شکار  
همه مهر او کینه و بدسری است  
منه دل به این چرخ پر انقلاب

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۹۴۴)

## ۲. کرم و احسان

احسان و نیکوکاری از مؤکدات آیات قرآنی است. برای نمونه به آیه‌های زیر توجه فرمایید:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (مائده/۲)

«و در نیکی و پارسایی همدستی کنید نه در گناه و ستمکاری؛ و از خدا پروا کنید که خداوند سخت کیفر است.»

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمُ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ (بینه/۷)

«کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند؛ اینان‌اند که خود بهترین آفریدگان‌اند.»

این آیه به آیه "خیر البریه" معروف است.

شرف مرد به جود است و کرامت به سجود هر که این هر دو ندارد عدمش به ز وجود

(مروی، ۱۳۶۹، ج: ۱، ۳۱۶)

نیست نکوتر ز هنر پیشه‌ای  
بر گذر قافیه اینک کرم

تجربه کردم ز هر اندیشه‌ای  
خاص ز بهر کرم آمد درم

(همان)

به احسان توان کرد و وحشی به قید  
نیاید دگر خبث از او در وجود

کرم پیشه کن کادمیزاد، صید  
چو دشمن کرم ببند و لطف و جود

(مروی، ۱۳۶۹، ج: ۳، ۹۷۳)

## ۳. خواست و اراده خداوند

مؤلف به این مطلب که عزت و ذلت، نیک‌بختی و بدبختی، آبادانی و ویرانی، مرگ، قضای الهی و حوادثی چون باد و صاعقه و آتش، به خواست و اراده خداوند بزرگ است؛ هر جا که

مناسب بوده اشاره کرده است. این معنی در آیات بی‌شماری از قرآن مورد اشاره قرار گرفته است که در ذیل به چند نمونه از آن‌ها و مصادیق موجود در «عالم‌آرای عباسی» می‌پردازیم:

در سوره نحل آیه ۴۰ از اراده خداوند تعبیر به قول کرده و فرمود:

﴿إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾

و در سوره بقره آیه ۱۱۷ تعبیر به قضا کرده و فرموده:

﴿وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾

مؤلف «عالم‌آرا» به صفات مختلف اراده خداوند اشاره می‌کند، که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌شود:

### أ: بخشنده عزت و ذلت

کسی را که خواهد خدای ودود	رساند سرش را به چرخ کبود
ز الطاف او باشد این کامیاب	مقابل شدن ذره با آفتاب

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۸۱۷)

چو خواهد فلک سربلندت کند	میان جهان پای بندت کند
دهد فتح و فیروزی بختیار	برآرد [هم] از جان دشمن دمار

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۰۱)

### ب. بخشنده نیک‌بختی و بدبختی

چو برگشت طالع ز مردان کار	شود روز روشن چو شب‌های تار
ندارد وفا این جهان خراب	نه بر زال و رستم نه افراسیاب

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۷۶)

چو خواهد که این چرخ پر آب و رنگ	کشد دولتی را به چنگال و چنگ
کند مور در پنجه روزگار	کند شاه را چون گدا آشکار



ز کشتن ز بستن ندارد چو باک

سر سروران را کند فرش خاک

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۲۴)

### ج. بخشنده آبادانی و ویرانی

دهد حاکمی عادل نیک‌رای  
نهد ملک بر پنجه ظالمی

چو نیکی پسندد به خلقی خدای  
چو خواهد که ویران کند عالمی

(همان: ۵۲)

### د. مرگ

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ (آل عمران/ ۱۸۵)

«هرکسی مرگ را می‌چشد».

مرگ را درمان کجا آید پدید

شربت مرگ است می‌باید چشید

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۶)

که پر انقلاب است و دایم زبون  
اگر از جهان کامرانت کند  
اگر نامرادت کند بی‌گمان  
کند طعمه مور خاک عقاب

دریغا از این گردش واژگون  
اگر شهریار جهانت کند  
اگر سرفرازی دهد در جهان  
که آخر اجل خان و مانت خراب

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۹۷۷)

### ه. قضای الهی

اگر فاضلان و اگر طالبان

اگر راسخان و اگر حاکمان

شوند جمع جمله صغیر و کبیر  
نگردد به فرمان پروردگار  
که خواهند قضا را دهندش تغیر  
شود آنچه مطلوب اوست آشکار

(همان: ۱۵۴)

#### ۴. دنیای اضداد

چنین است آیین چرخ دو رنگ  
گهی خشم آرد گهی صلح و جنگ

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۱، ۳۳۲)

چنین روزگاری است پر آب و رنگ  
گهی کین بیارد گهی خرمی  
گهی صلح آرد گهی نیز جنگ  
یکی را کند شادمان از جهان  
یکی را کند از آلم ناتوان

(همان: ۲۸۹)

#### ۵. دولت و نیکبختی

چو دولت تهی گردد از خاندان  
سر فتنه باز آورد روزگار  
دهد شیر جنگی ز روبه نشان  
اگر چون ستاره درخشان شوی  
کند پادشاهان را خوار و زار  
چو برگشت دولت، هراسان شوی

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۱، ۱۳۱)

#### ۶. عدم هم‌نشینی با نامردان

این معنی در قرآن در قالب توصیه مومنان به پرهیز از هم‌نشینی و دوستی با کافران بیان شده است:

﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾ (آل عمران/ ۲۸)

«مؤمنان نباید که کافران را به جای مؤمنان دوست بگیرند و هرکس چنین کند از [لطف و ولایت] خداوند بی‌بهره است مگر آنکه از آنان به نوعی تقیه کنید؛ و خداوند شما را از خودش برحذر می‌دارد و بازگشت به سوی خداوند است.»

ز نامرد، مردی نیاید به کار	شنیدم که می‌گفت یک نامدار
کنی جان خود را بدان پایمال	اگر روز و شب یا اگر ماه و سال
برآرد دمار از تو و خان تو	چو کژدم زند نیش بر جان تو

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۱۱۳۳)

## ۷. آگاهی از آداب حکمرانی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حاکم در قرآن عدالت اوست:

﴿وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (مائده/ ۴۲)

«و چون [عزم] داوری کردید در میان آنان به داد داوری کن که خداوند دادگران را دوست دارد.»

علاوه بر این قدرت و توانایی نیز از ویژگی‌های حاکم خوب است:

﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيَ الْأَمِينُ﴾ (قصص/ ۲۶)

«یکی از آن دو دختر گفت پدرجان او را با دستمزد به کار گیر چراکه بهترین کسی است که می‌توانی به کار گیری [اوست که] که توانی درست است.»

مقاسات رنج و تعب بردن است	ایالت، نه بازی و می‌خوردن است
شود بی‌گمان، کار ملکش خراب	چو خسرو کند میل مستی و خواب
همه کار عالم، بود با نظام	اگر شاه آگاه باشد مدام

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۹۴۹ و ۱۰۹۱)

## ۸. اهمیت عدل و مذمت ظلم

مذمت ظلم و ستمکاری در بسیاری از آیات قرآن مورد اشاره قرار گرفته است، که نمونه‌های زیر برخی از این آیات است:

﴿لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/۲۵۸)

«و خداوند مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند»

و نیز

﴿إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ (انعام/۲۱)

و

﴿كُنْتُمْ لَكِنَّا الظَّالِمِينَ﴾ (ابراهیم/۱۳)

و با لحنی بسیار هشداردهنده به ظالمان می‌فرماید:

﴿أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (هود/۱۸)

عرصه ملک تو هر روز فزون خواهد شد  
مدعی گر همه شیر است زبون خواهد شد

خسروا قاعده عدل فزون کن که ز عدل  
فتح و نصرت ز خدا خواه که بی منت خلق

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۷۹ و ۱۶)

پای هر کس بدان رسد لنگ است  
شمر آن را خدا براندازد  
خوش به آن کس که نیک‌اندیش است

در جهان ظلم کوه پر سنگ است  
ظلم ظالم دوا نمی‌دارد  
بد مکن بد که روز بد پیش است

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۷۸)

## ۹. صبر و بردباری

قرآن کریم مؤمنان را به صبر و بردباری فرا می‌خواند:

﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾ (بلد/۱۷)

«تا سپس از کسانی باشید که ایمان آورده‌اند و همدیگر را به شکیبایی و همدیگر را به مهربانی سفارش کرده‌اند.»

و نیز:

﴿وَلَمَن صَبَرَ وَعَفْرَانًا ذَلِكَ لِمِنَ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (شوری/۴۳)

سر مردمی بردباری بود                      سبک‌سر همیشه به خواری بود

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۱، ۲۴۴)

صبوری ضروری است کاین درد دل را                      به غیر از صبوری دوایی نباشد

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۲، ۷۷۵)

## ۱۰. اخلاص

آدمی باید در عمل اخلاص داشته باشد. اخلاص در بسیاری از آیات قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله رابطه اخلاص با نبوت: ۱۳۹ بقره و ۵۱ مریم، و ۳۷ و ۷۱ و ۷۲ و ۱۲۸ صافات (اخلاص یکی از اصول رسیدن به نبوت است)؛ رابطه اخلاص با توحید: ۱۳۹ بقره، و ۲ و ۳ و ۱۱ و ۱۴ و زمر، و ۱۴ و ۶۵ مؤمن، و ۱۶۰ صافات (پاک‌دانستن ذات خداوند و یا توحید صفاتی توسط مخلصان)؛ رابطه اخلاص با عدل: ۲۹ اعراف (امر به درستکاری و خلوص با رعایت عدل). هر که به اخلاص کند خدمتش                      دست چو زد خاک شود لعل کان

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۳، ۹۶۵)

## ۱۱. رعیت

انسان باید همواره با زبردست خود به عدالت رفتار کند، و او را مورد لطف خود قرار دهد زیرا زبردست ترک نمک‌خواری نمی‌کند و در وفاداری ثابت‌قدم است. این معنی در قرآن در آیه زیر با عنوان «غلیظ القلب» نبودن مورد سفارش قرار گرفته است:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ  
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ (آل عمران/۱۵۹)

«به لطف رحم الهی با آنان نرمخویی کردی، و اگر درشتخوی سختدل بودی  
بی‌شک از پیرامون تو پراکنده می‌شدند؛ پس از ایشان درگذر و برایشان آمرزش  
بخواه و در [این کار] با آنان مشورت کن.»

رعایا چو دارند ندارند زوال	رعیت به شاهان بود گنج و مال
خدای جهانش رسوا کند	هر آنکس ستم بر رعایا کند
از آن فیض یابد همه روزگار	رعایا درختی است پرمیوه دار

(مروی، ۱۳۶۹، ج ۳، ۱۰۱۱)

### نتیجه بحث

کتاب «عالم‌آرای نادری» نوشته محمدکاظم وزیر مرو، مفصل‌ترین زندگینامه نادرشاه افشار و تاریخ حوادث روزگار اوست که شامل حوادث قرن دوازدهم، از شورش محمود افغان و سقوط اصفهان و حوادث بعدی، و برآمدن نادر و پیروزی‌های بزرگ و سرانجام غم‌انگیز و عبرت‌آموز او می‌باشد.

محمدکاظم بیگ این کتاب را به زبان و دیدی ساده و بی‌پیرایه نگاشته است. مؤلف در لابه‌لای نثر خود در توصیف و تحلیل حوادث از انواع شعر (حماسی، غنایی، تعلیمی و عرفانی) بهره جسته است. اشعار تعلیمی و اخلاقی او که به منظور تشویق مخاطبان به پایبندی به اخلاق و برحذر داشتن آنان از رذیلت‌ها آورده شده است، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

در این مقاله با استخراج این اشعار از درون متن می‌توان به این نتیجه رسید، که ناپایداری دنیا، اراده خداوند و کرم و احسان دارای بسامد بالایی است، کرم و احسان، دنیای اضداد و عدل و ظلم از بسامد متوسط، و رعیت و صبر و دشمن و نیکی کردن از بسامد پایین، و دیگر نکته‌ها از بسامد خیلی پایینی برخوردارند.

به این ترتیب مؤلف بیش‌ترین مواردی که در به قدرت رسیدن افراد و یا از دست دادن قدرت حکومت دخیل دانسته است، خواست و اراده خداوند است؛ و بیش‌ترین عبرتی را که از دیدن حوادث و مرگ افراد، به دیگران هشدار می‌دهد ناپایداری دنیاست. او انسان را به اخلاص در

بررسی نکته‌های قرآنی در عالم آرای نادری/ ۱۶۱

---

---

عمل، کرم و احسان، صبر و بردباری، بخشش دیگران، نیکی کردن، آگاهی بر آداب حکومت‌داری، عدالت و رعایت حال زیردستان تشویق می‌کند، و از ظلم و ستیزه با بزرگان و هم‌نشینی با نامردان پرهیز می‌دهد.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

- براون، ادوارد. ۱۳۶۳ هـ.ش. **تاریخ ادبیات ایران**. ترجمه رشید یاسمی. ج ۴. تهران: انتشارات ابن سینا.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۲ هـ.ش. **لغت نامه دهخدا**. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- رزمجو، حسین. ۱۳۷۴ هـ.ش. **انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی**. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۶۲ هـ.ش. **تاریخ ایران بعد از اسلام**. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- شعبانی، رضا. ۱۳۷۵ هـ.ش. **تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه**. ج ۲. تهران: نشر قومس.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۹ هـ.ش. **انواع ادبی**. تهران: نشر میترا.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۸۳ هـ.ش. **تاریخ ادبیات ایران**. ج ۵. تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۶۳ هـ.ش. **گنج سخن**. تهران: انتشارات ققنوس.
- م. ر، آرونو و ا. ک. ز، اشرافیان. ۱۳۵۶ هـ.ش. **دولت نادرشاه افشار**. ترجمه حمید امین. تهران: انتشارات شبگیر.
- مروی، محمد کاظم. ۱۳۶۹ هـ.ش. **عالم آرای نادری**. تهران: نشر علم.
- مؤتمن، زین العابدین. ۱۳۷۱ هـ.ش. **تحول شعر فارسی**. تهران: کتابخانه طهوری.
- یکتایی، مجید. ۱۳۵۰ هـ.ش. **نوپردازی در نقد شعر و سخن سنجی**. تهران: انتشارات وحید.